

دورودخانه جاری

نگاهی به تأثیر شعر انقلاب اسلامی بر شعر امروز افغانستان

محمد کاظم کاظمی



محمد کاظم کاظمی شاعر و نویسنده افغانستان، در سال ۱۳۴۶ شمسی در شهر هرات چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۵۴ به کابل کوچ کرد و تا سال آخر دبیرستان در کابل درس خواند. در سال ۱۳۶۳ به ایران آمد و پس از اتمام دوره دبیرستان، کارشناسی خود را در رشته مهندسی عمران از دانشگاه فردوسی مشهد گرفت. از سال ۱۳۶۵ فعالیت های ادبی را آغاز کرد و آن را در دهه هفتاد ادامه داد. انتشار مثنوی «بازگشت» او در فروردین ۱۳۷۰ مایه شهرت او شد. او علاوه بر سرایش شعر، در زمینه های آموزش شعر، برگزاری محافل انجمن های ادبی مهاجرین افغان در ایران، انتشار نقدها و مقالاتی در مطبوعات، تالیف و ویرایش کتاب هایی در زمینه زبان و ادبیات فارسی فعالیت کرده است. عضویت در هیئت تحریریه فصلنامه های «در بری» و «خط سوم» و عضویت در مؤسسه فرهنگی در بری از دیگر فعالیت های او بوده است. از آثار او ست: روزنه: مجموعه آموزشی شعر، شعر پارسی، کلید در یاز: رهیافت هایی در شعر بیدل، همزیانی و بی زیانی، رصداصبح: خوانش و نقد شعر جوان امروز، قصه سنگ و خشت (گزیده شعر)، کفران (گزیده اشعار)، گزیده غزلیات بیدل، مرقع صدرنگ: صدری باغی از بیدل ده شاعر انقلاب و شمشیر و جغرافیا: مجموعه شعر تمهید. به تازگی نکوداشت او در تهران برگزار شد.

قبل از انقلاب اسلامی.

پس وقتی از تأثیر انقلاب اسلامی بر شعر افغانستان سخن می گوئیم، نباید چنین پنداشت که اصل تأثیر گذاری شعر ایران بر افغانستان از این زمان شروع شد، بلکه فقط اختلاف در نوع تأثیر بود. اما در مورد شعر انقلاب، از آن روی تأثیر آن در دوره های مختلف تاریخی و نیز در داخل و خارج افغانستان متفاوت بوده است، لاجرم باید یک تفکیک زمانی و مکانی قایل شویم.

تفکیک زمانی و مکانی این تأثیرات

۱. در داخل افغانستان
متأسفانه در چند قرن اخیر میان دو کشور ایران و افغانستان معمولاً مناسبات حکومتی نیکی برقرار نبوده است. اوج این تیرگی روابط، در دوره حکومت کمونیست ها در افغانستان بود، یعنی از پیروزی کودتای کمونیستی در اردیبهشت ۱۳۵۷ تا پیروزی مجاهدین افغانستان در اردیبهشت ۱۳۷۱.

در این دوره افغانستان سخت درگیر مبارزات مردم علیه حکومت کمونیستی و اشغالگران روسی بود. راه توزیع نشریات و کتاب های چاپ ایران به افغانستان بسته شده بود و جمهوری اسلامی ایران هم از این مبارزات حمایت می کرد. پس دولت ایران در چشم حاکمان افغانستان یک دشمن نیرومند دانسته می شد. به همین سبب ارتباطات سیاسی به حداقل رسیده بود و ارتباط فرهنگی تقریباً وجود نداشت. راه توزیع نشریات و کتاب های چاپ ایران به افغانستان بسته شده بود. کتاب های اسلامی - انقلابی از نوع کتاب های دکتر شریعتی و شهید آیت ... مطهری ممنوع بود و

ما در این نوشته بر آنیم که وجوه و جوانب مختلف تأثیر شعر انقلاب اسلامی ایران بر شعر امروز افغانستان را نشان دهیم. البته قبل از نشان دادن این وجوه، اصل خود این تأثیر را می باید اثبات کرد، ولی به نظر می رسد که موضوع برای کسانی که با شعر امروز افغانستان آشنا نیستند، چندان پوشیده نیست. مسلماً در حین بحث نیز شواهدی به میان می آید که این تأثیر را تأیید خواهد کرد.

نگاهی به پیشینه

ارتباطات ادبی میان این دو پاره از قلمرو زبان فارسی فراز و فرود داشته است. در قرون کهن البته «مرز» و «ملت» به مفهوم کنونی وجود نداشته و همه این سرزمین ها یا یک کشور بود و یا اگر هم در هر یک «خطبه و سکه» به نام پادشاهی بود، رفت و آمد و هجرت و اقامت مردم، تابع این تفاوت حکومت ها نبود و چنین بود که در آثار ادبی ما نیز هیچ گاه چیزی به نام «کشور» و «ملت» به مفهوم کنونی آن دیده نمی شود، بلکه به معنی «سرزمین» و «فرقه و طایفه» آمده است.

اما در قرن حاضر که مرزهای رسمی به شکل امروزی آن در میان این سرزمین ها کشیده شد، لاجرم هم رفت و آمد کمتر بوده و هم روابط غالباً سرد دولت ها، مانع دادوستد بسیار می شده است. با این همه به مدد مطبوعات و کتاب های منتشر شده در ایران، مردم افغانستان با تحولات ادبی ایران بیگانه نبودند و شاعران معاصر ایران در افغانستان بسیار شناخته شده بودند؛ به ویژه ملک الشعرا بهار، پروین اعتصامی، شهریار و رهی معیری از کلاسیک سرایان و نادر نادرپور، فروغ فرخزاد، اخوان ثالث و احمد شاملو از نوگرایان